

## بررسی ساختار تمثیلی و عناصر تعلیمی در کلیله و دمنه با تاکید بر رابطه ی حکمت و اخلاق

### اجتماعی

سید مجتبی حسینی<sup>۱</sup>، لیلا غنی زاده<sup>۲\*</sup>

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

۲- دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی.

### چکیده

ادبیات تعلیمی و حکمت آمیز همواره نقش مهمی در تربیت اخلاقی و اجتماعی انسان ها داشته است. کلیله و دمنه به عنوان یکی از آثار برجسته این حوزه، با بهره گیری از داستان های تمثیلی و شخصیت های نمادین، آموزه های اخلاقی، اجتماعی و حکمت عملی را به مخاطب منتقل می کند. هدف این پژوهش بررسی ساختار تمثیلی و عناصر تعلیمی حکایت بوزینه و لاک پشت با تأکید بر رابطه حکمت و اخلاق اجتماعی است. این مطالعه از نوع تحلیل محتوای کیفی و توصیفی-تحلیلی است. داده ها شامل متن فارسی حکایت بوزینه و لاک پشت در کلیله و دمنه و پژوهش های مرتبط در حوزه ادبیات تعلیمی و اخلاق اجتماعی است. پژوهش با بررسی ساختار تمثیلی، شخصیت ها، پیام های اخلاقی و کارکرد تربیتی داستان، تحلیل چندلایه ای از ارتباط حکمت و اخلاق اجتماعی ارائه می دهد. داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوای موضوعی و مقایسه الگو و ضدالگو استخراج و تبیین شد. نتایج نشان می دهد که حکایت بوزینه و لاک پشت با استفاده از ساختار تمثیلی چندلایه، شخصیت های تقابلی، و پیام های اخلاقی و اجتماعی، آموزش اخلاقی و اجتماعی را به شکلی ملموس و کاربردی ارائه می دهد. بوزینه مظهر حکمت عملی و اخلاق متعادل است، و لاک پشت نمونه رفتارهای آسیب زا در مواجهه با طمع و فشارهای اجتماعی است. داستان، رابطه تنگاتنگ میان حکمت و اخلاق اجتماعی را بازنمایی می کند و نشان می دهد که اخلاق بدون خرد و دوراندیشی آسیب پذیر است و حکمت بدون اخلاق، ناقص و خطرناک است. حکایت بوزینه و لاک پشت نمونه ای شاخص از ادبیات تعلیمی است که با ترکیب تمثیل، شخصیت های تقابلی و پیام های اخلاقی چندلایه، توانمندی های اخلاقی، اجتماعی و تصمیم گیری مخاطب را تقویت می کند. مطالعه این اثر نشان می دهد که آموزش اخلاق اجتماعی و حکمت عملی می تواند در قالب ادبیات داستانی و تمثیلی، با تأثیر ماندگار و درونی سازی شده، به مخاطب منتقل شود و الگوهای عملی زندگی اجتماعی و فردی را برای او روشن سازد.

واژه های کلیدی: کلیله و دمنه، تمثیل، اخلاق اجتماعی، حکمت عملی، آموزش ادبیات

## مقدمه

ادبیات تعلیمی در بستر تاریخ ادبیات فارسی نه صرفاً عرصه‌ای از نوشتارهای اخلاقی، بلکه نظامی معرفتی برای فهم نسبت انسان با خویش، جامعه و قدرت است (نجفی حاجیور و نجفی‌بهزادی، ۱۴۰۲). این شاخه از ادبیات، که در پیوندی ناگسستنی با حکمت عملی و بینش اخلاقی شکل گرفته است، کوشیده با زبان تمثیل، پند، روایت و استعاره، امر پیچیده اخلاق را در قالب زبان هنری و داستانی قابل درک و اثرگذار سازد. در این میان، کلیله و دمنه جایگاهی ممتاز دارد؛ اثری که از ریشه‌های هند باستانی خود در پنجهانترا برآمد، و پس از ترجمه به زبان پهلوی و سپس عربی و فارسی، به یکی از ثروتمندترین میراث‌های اندیشه اخلاقی و سیاسی در تمدن ایرانی-اسلامی بدل شد (ناشودی و همکاران، ۱۴۰۳). عبدالله بن مقفع در قرن دوم هجری این اثر را با هدف تأمل در سیاست مملکتداری، اصلاح رفتار حاکمان و تربیت خردمندی اجتماعی ترجمه کرد، و مترجمان و نثرپردازان فارسی چون نصرالله منشی آن را به یکی از درخشان‌ترین نمونه‌های نثر فنی فارسی در قرن ششم تبدیل کردند.

این اثر در ذات خود حاصل پیوند میان ادب، سیاست و اخلاق است؛ زیرا از یک‌سو برآمده از سنت اندرزنامه‌نویسی و حکمت عملی ایرانی است، و از سوی دیگر، نظامی از استعاره‌ها و تمثیل‌ها را برای تبیین مناسبات اجتماعی و سیاسی در قالب گفت‌وگوهای حیوانات سامان داده است (موسوی، ۱۳۹۱). کلیله و دمنه از رهگذر این زبان میانجی، به انسان می‌آموزد که قدرت و خرد اگر از اخلاق خالی شوند، به فساد و بی‌سامانی اجتماعی می‌انجامند. در داستان‌هایی چون «شیر و گاو»، «کبوتر و موش» یا «بوم و زاغ»، نویسنده با ظرافتی فلسفی نشان می‌دهد که جامعه انسانی نیازمند شکلی از اعتماد، تدبیر و عدالت است که در بستر عقل و اخلاق تحقق پیدا می‌کند. این ویژگی سبب شده است که کلیله و دمنه از حدّ یک اثر ادبی فراتر رفته و به «آیین‌نامه‌ی خرد و سیاست» در تاریخ اندیشه ایرانی بدل شود.

از منظر نظری، کلیله و دمنه را می‌توان نمونه‌ای برجسته از ادبیات حکمت‌آموز مبتنی بر عقل عملی دانست. در این چارچوب، تمثیل صرفاً ابزار زیبایی‌شناختی نیست، بلکه ساختاری معرفتی برای بیان مفاهیمی است که در زبان مستقیم و خطابی نمی‌گنجند. تمثیل به نویسنده امکان می‌دهد که تضاد میان خیر و شر، امانت و خیانت، خرد و جهل را در صورتی نمادین بازنمایی کرده و با بهره‌گیری از گفتمان حیوانات، به نقد و بازاندیشی در کردار انسان بپردازد (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۴). بدین ترتیب، اخلاق در کلیله و دمنه نه مجموعه‌ای از نصایح بیرونی، بلکه فرآیندی از تربیت درونی و بازسازی رابطه فرد با اجتماع است؛ رابطه‌ای که هسته آن را عدالت و تدبیر شکل می‌دهد. بر این اساس، کلیله و دمنه در تداوم سنت تربیت اخلاقی ایرانی-اسلامی قرار می‌گیرد و هم‌زمان افق‌هایی از تفکر سیاسی را نیز می‌گشاید. این اثر نشان می‌دهد که سیاست، بدون تکیه بر اخلاق، به وضعیتی استبدادی و ویرانگر تبدیل می‌شود، و از سوی دیگر، اخلاق بدون درک واقعیت‌های قدرت، به تأملی انتزاعی و بی‌ثمر بدل خواهد شد. این دو، در اندیشه راویان کلیله و دمنه، دو وجه از یک حقیقت واحدند: یعنی حکمت عملی که انسان را به اداره خود و جامعه بر پایه عقل و عدل دعوت می‌کند. از همین‌رو، می‌توان گفت که روایت‌های این اثر، گونه‌ای «سیاست‌نامه اخلاقی» محسوب می‌شوند که در قالب حکایات، فلسفه‌ای بومی از تدبیر و عدالت را بازنمایی می‌سازند.

اهمیت این پژوهش در این است که بازخوانی کلیله و دمنه امروز نه صرفاً بازگشت به گذشته، بلکه مواجهه‌ای انتقادی با بحران‌های جهان معاصر است؛ جهانی که در آن، گسست میان دانش و اخلاق، و میان قدرت و عدالت، سبب تزلزل نظم اجتماعی و بی‌معنایی ارزش‌های انسانی شده است. مطالعه دوباره این اثر می‌تواند زمینه‌ای برای احیای نقش حکمت در تربیت شهروندان و بازسازی بنیان‌های اعتماد، مسئولیت و انصاف در جامعه باشد. به همین سبب، پژوهش حاضر تلاش دارد تا سازوکارهای تمثیلی این اثر در انتقال مفهوم اخلاق اجتماعی را تحلیل کرده، نقش شخصیت‌پردازی حیوانات را در تبیین رابطه فرد و جامعه واکاود، و از دل این حکایات، الگوی تربیت اخلاقی مبتنی بر گفت‌وگو، تدبیر و مصلحت عقلانی را استخراج کند. پرسش‌های محوری مقاله عبارت‌اند از:

۱. تمثیل در کلیله و دمنه چه نقش معرفت‌شناختی و تربیتی در انتقال معنا دارد؟

۲. چگونه عناصر تعلیمی در ساختار روایی و زبانی اثر جای می گیرند؟

۳. در چه سطحی از روایت می توان نسبت میان حکمت عملی و اخلاق اجتماعی را نظام مند ساخت؟

۴. چه دلالت هایی از تحلیل این اثر می توان برای تربیت اخلاقی و سیاسی انسان معاصر استنتاج کرد؟

در نهایت، مقاله با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و خوانش انتقادی متون کلاسیک، در پی آن است که نشان دهد کلیله و دمنه نه تنها آئینه ای از گذشته کهن، بلکه راهنمایی برای مواجهه عاقلانه و اخلاقی با پیچیدگی های زیست اجتماعی امروز است.

## ۲. پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

ادبیات پژوهش در باب کلیله و دمنه در دهه های اخیر، گستره ای از رویکردهای تاریخی، فلسفی، اخلاقی، هنری و زبان شناختی را دربر گرفته است. این اثر، که نه تنها در تاریخ ادبیات فارسی بلکه در حیات فکری و فرهنگی جوامع شرقی جایگاهی بی بدیل دارد، همواره موضوع تفسیرهای چندوجهی بوده است؛ به ویژه از آن منظر که هم حامل مضامین اخلاقی و حکمی است و هم در بطن خود الگوهای تعامل اجتماعی، سیاست ورزی و بینش انسان مدار را بازتولید می کند. بررسی مطالعات اخیر نشان می دهد که پژوهشگران معاصر، از رویکردهای متنوعی چون روایت شناسی، نظریه ترجمه، آموزه های تربیتی و تحلیل گفتمان برای تبیین کارکردهای ادبی و فلسفی این اثر بهره برده اند. چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای ترکیب سه محور بنیادین شکل گرفته است: نخست، پیوند اخلاق و جامعه در روایت های تمثیلی؛ دوم، انتقال معرفت و حکمت به واسطه سرمایه های فرهنگی؛ و سوم، بازآفرینی و تطبیق ساختارهای معنایی اثر در ترجمه ها و بازنویسی های متفاوت.

### ۲-۱. مطالعات نظری و تاریخی در باب کلیله و دمنه

پژوهش موسوی (۱۳۹۱) یکی از نخستین بررسی های نظام مند در خصوص جایگاه این کتاب در فرهنگ و تمدن شرقی است. او، با تکیه بر شواهد تاریخی و زبان شناختی، نشان می دهد که کلیله و دمنه نه فقط متنی ادبی بلکه یکی از مهم ترین رسانه های انتقال فلسفه اخلاق هندی و ایرانی به جهان اسلامی بوده است. موسوی نتیجه می گیرد که این اثر به منزله پلی میان نظام حکمت عملی و اندیشه سیاسی در تمدن شرقی عمل کرده و تأمل در روابط قدرت، معرفت و پند و اندرز را در ساختار تمثیل حیوانات ممکن ساخته است (موسوی، ۱۳۹۱). در تداوم همین نگاه، سلمانی (۱۳۹۵) با رویکردی کتاب شناسانه، مسیر تاریخی تحول متون و نسخه های فارسی کلیله و دمنه را بررسی کرد و آن را یکی از پربسامدترین آثار اقتباس شده در ادبیات فارسی دانست. از منظر او، تنوع ترجمه ها و بازنگاری ها نشانه ای از پویایی معنایی و انعطاف فرهنگی این متن است.

از نمونه های پژوهش هایی که بر مبنای اخلاقی و طبقاتی متون کلاسیک تأکید دارند، می توان به کار امامی و صحرایی (۱۴۰۱) اشاره کرد. آنان در تحلیل تطبیقی حکایات کلیله و دمنه و مرزبان نامه، پیوند میان طبقه اجتماعی و نظام اخلاقی زنان را برجسته کرده و نشان دادند که تصویر زن در ساختار تمثیلی این متون بازتابی از سازمان طبقاتی جامعه ایرانی-هندی است. چنین رویکردی، بُعد جامعه شناختی اثر را روشن می سازد و زمینه را برای تبیین ارتباط بین اخلاق عملی و جایگاه اجتماعی فراهم می آورد. به همین ترتیب، نظریه عمل گرایی یا پراگماتیسم که آهی و مهربانی ممدوح (۱۳۹۴) در تحلیل خود بر آن تأکید دارند، وجهی از این زمینه اخلاقی را بازتاب می دهد. آنان با استناد به آموزه های فلسفه پراگماتیسم، استدلال کردند که کلیله و دمنه نوعی عمل گرایی ادبی را بازنمایی می کند؛ بدین معنا که حکمت نه در سطح نظر بلکه در کنش و رفتار عینی شخصیت ها معنا می یابد.

## ۲-۲. پژوهش‌های مرتبط با روایت، طنز و منطق تعامل

در سنت ادبی فارسی، روایت و تمثیل ابزارهایی هستند که از رهگذر آن‌ها پیام‌های اخلاقی و فلسفی به زبانی غیرمستقیم انتقال می‌یابد. پژوهش حسینی سروری و طالبیان (۱۳۹۲) بر همین مبنا، طنز و مطایبه را مؤلفه‌ای ساختاری در کلیله و دمنه معرفی می‌کند. آنان با تحلیل نمونه‌های متنی، نتیجه گرفتند که کارکرد طنز در این کتاب صرفاً تزئینی نیست، بلکه شیوه‌ای برای رمزگذاری معانی سیاسی و اخلاقی در بطن روایت‌هاست. در همین راستا، زاهدی و یعقوبی جنبه سرایی (۱۴۰۱) تحلیل دقیق‌تری از منطق تعامل در روایت‌های سیاسی-اخلاقی ارائه داده‌اند و با تکیه بر نظریه‌های بلاغت تعامل، نشان می‌دهند که فاصله‌گذاری و ادب معاشرت در حکایات نمادین، سازوکاری برای حفظ توازن میان قدرت و اخلاق به شمار می‌آید.

مطالعه صدیقی (۱۴۰۱) نیز بعدی نظری‌تر از این وجه را مکشوف می‌کند. او با رویکردی مبتنی بر بوطیقا (Poetics)، سازوکارهای حاکم بر مقدمه‌ها و متن کلیله و دمنه را تحلیل کرده و به این نتیجه می‌رسد که ساختار روایی اثر در خدمت غایتی معرفتی عمل می‌کند. به باور او، مقدمه‌ها نقش هیچ‌گاه صرفاً توصیفی ندارند، بلکه ساحت مفهومی اثر را سامان داده و چشم‌انداز خواننده را نسبت به جهان متن می‌سازند (صدیقی، ۱۴۰۱). افزون بر آن، امینی و نجفی بهزادی (۱۴۰۴) در پژوهش خود با تکیه بر ابعاد روایت‌مندی نیکولایو، بازنویسی داستان‌های کلیله و دمنه را در ادبیات کودک تحلیل کرده‌اند. نتیجه آنان نشان می‌دهد که هر بازآفرینی، مبتنی بر انتخاب زاویه دید و میزان روایی‌سازی تازه‌ای است که بر روش درک کودکان از مفاهیم حکمی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، کلیله و دمنه در مقام منبعی برای آموزش تفکر روایی و فلسفی کودک نیز مطرح است.

## ۲-۳. پژوهش‌های فلسفی، تربیتی و تطبیقی

افق تربیتی کلیله و دمنه از قرون میانه تا دوران معاصر همواره مورد توجه بوده است. رشیدی و همکاران (۱۴۰۴) با اتکا به نظریه آمایه ثرندایک، ابعاد تعلیم و تربیت در این کتاب و قابوس‌نامه را بررسی کرده و بر نقش تجربه و یادگیری درونی‌شده در ساخت شخصیت تأکید کرده‌اند. آنان یافته‌اند که در هر دو متن، تربیت از مسیر تقلید به درون‌فکنی ارزش‌های اخلاقی منتقل می‌شود و در قالب شبکه‌ای از روابط قدرت و پند اخلاقی تثبیت می‌گردد. در همین محور، ناشودی و همکاران (۱۴۰۳) مفهوم تفکر فلسفی را با آموزه‌های اخلاقی داستان «بازجست کار دمنه» پیوند داده و نشان دادند که این حکایت با روش‌های جدید آموزش فلسفه برای کودکان سازگار است. به بیان دیگر، تبدیل تمثیل به فرایند پرسشگری عقلانی می‌تواند از کلیله و دمنه منبعی درخور برای تربیت اخلاقی و تفکر مستقل کودکان بسازد.

نکته مهم در اغلب این پژوهش‌ها، پیوند کلیله و دمنه با میراث هنری و نمادپردازی تصویری آن است. امیری یاسی کند و دهقان (۱۴۰۰) با تمرکز بر نسخه‌های مصور تیموری، نشان دادند که سرمایه‌های فرهنگی تجسم‌یافته در نگاره‌های این اثر، سازوکارهای بصری انتقال دانش و حکمت را تقویت کرده‌اند. آنان مفهوم «حکمت قابل مشاهده» را مطرح کردند؛ به این معنا که تصویر و متن در کنار هم درک فلسفی مخاطب را تعمیق می‌کنند. در ادامه همین مسیر، عسکری الموتی و بابائی (۱۴۰۴) به مطالعه تطبیقی تحولات متن و نگاره‌های داستان «مرغابی‌ها و لاک‌پشت» در کلیله و دمنه، تحفه‌الاحرار و انوار سهیلی پرداختند. یافته‌های ایشان گویای آن است که با گذر زمان، گرایش از بیان تعلیمی صرف به روایت نمادین و هنری تغییر یافته و پیوند میان تصویر و معنا به عامل اصلی کارکرد میان‌فرهنگی تبدیل شده است. در حوزه فلسفی، آهی و مهربانی ممدوح (۱۳۹۴) تأکید دارند که اندیشه پراگماتیستی در کلیله و دمنه از رهگذر ارزیابی پیامدهای اخلاقی کنش‌ها نمود می‌یابد. آنان معتقدند که رویکرد عمل‌گرایانه اثر، آن را از سطح پند و اندرز سنتی فراتر برده و

به نوعی فلسفه عملی تبدیل می‌کند که مخاطب را به تصمیم‌گیری مبتنی بر نتیجه فرامی‌خواند. چنین خوانشی، کلیله و دمنه را در پیوند با فلسفه اخلاق غربی قرار می‌دهد و ظرفیت گفت‌وگوی بین‌المللی آن را آشکار می‌سازد.

#### ۴-۲. مطالعات ترجمه، بازآفرینی و گسترش معنا

در بُعد نظری ترجمه، بیات و همکاران (۱۴۰۴) با استفاده از نظریه اسکوپوس، ترجمه مرعشی‌پور از کلیله و دمنه را مورد ارزیابی قرار دادند. یافته‌های آنان نشان داد که هدف‌مندی (اسکوپوس) در ترجمه‌های جدید این اثر تابع بافت فرهنگی و انتظار مخاطب است، نه الزاماً وفاداری واژگانی. این نتیجه‌گیری، جایگاه کلیله و دمنه را به‌عنوان متنی باز و چندزبان‌پذیر تثبیت می‌کند که قابلیت بازتولید معنایی در زمان‌ها و جغرافیاهای گوناگون دارد. در کنار آن، نجفی‌حاجیور و نجفی بهزادی (۱۴۰۲) با تحلیل محتوای کتاب درسی منسوب به این اثر، نشان دادند که بازتاب آموزشی آن در نظام رسمی ایران نیز به سوی ساده‌سازی اخلاق و حذف پیچیدگی‌های سیاسی میل کرده است.

از منظر تطبیقی، کامرانی و همکاران (۱۴۰۱) فرآیند هویت و توسعه را در تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه بررسی کردند و نشان دادند که هر دو اثر، تاریخ و اخلاق را با همان سازوکار تمثیل روایت می‌کنند. در این مطالعه، کلیله و دمنه به‌منزله خاستگاه هویت فرهنگی ایرانی معرفی شده که از طریق روایت حیوانات و نمادها، نوعی آگاهی جمعی نسبت به عدالت و خرد را بازتولید می‌کند. در همین مسیر، سعیدی و همکاران (۱۴۰۱) با تمرکز بر جایگاه ابزار جنگ در این اثر، بر آن‌اند که تمثیل‌های نظامی علاوه بر مضمون استراتژیک، دارای دلالت معرفتی و اخلاقی‌اند؛ یعنی جنگ در این اثر، استعاره‌ای از برخورد آراء و ارزش‌هاست. این تفسیر، وجه سیاسی و عقلانی متون تمثیلی را برجسته می‌سازد و در پیوند با نظریه تعامل اجتماعی در متون اخلاقی قابل درک است.

#### ۵-۲. چارچوب نظری پیشنهادی

بر مبنای پیشینه یادشده، چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر همگرایی چهار رویکرد است:

- نظریه کنش اخلاقی: برگرفته از پراگماتیسم (آهی و مهربانی ممدوح، ۱۳۹۴) و نظریه آمایه ثندایک (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۴) که کنش و یادگیری را بنیان تحقق اخلاق می‌دانند.
  - نظریه تعامل و گفت‌وگو: منطبق بر دست‌آوردهای زاهدی و جنبه سرایی (۱۴۰۱) درباره ادب معاشرت و فاصله‌گذاری به‌عنوان ابزار تعادل میان قدرت و اخلاق.
  - بوطیقای روایت تمثیلی: بر اساس صدیقی (۱۴۰۱) و امینی و نجفی بهزادی (۱۴۰۴) که ساختار روایت را حامل پیام معرفتی می‌شمارند و هر بازنویسی را دگرگونی معنا می‌دانند.
  - نظریه سرمایه فرهنگی و بینامتنیت تصویری: با توجه به امیری یاسی کند و دهقان (۱۴۰۰) و عسکری الموتی و بابائی (۱۴۰۴)، تصاویر و نسخه‌های مصور بخشی از شبکه انتقال حکمت تلقی می‌شوند.
- برآیند این چارچوب، نگرشی میان‌رشته‌ای به کلیله و دمنه پدید می‌آورد که در آن، اخلاق به‌صورت کنش زبانی و هنری، و معرفت به‌شکل تجربه فرهنگی بازنمایی می‌شود. در این دیدگاه، تمثیل نه وسیله‌ای صرف برای پند و اندرز، بلکه رسانه‌ای برای بازتولید عقلانیت اجتماعی و تربیت اخلاقی است. چنین تبیینی ضمن همسویی با ادبیات معاصر نظریه اخلاق روایی و فلسفه میان‌فرهنگی، امکان تحلیل نوینی از پایداری و تحول معنای کلیله و دمنه را فراهم می‌سازد (موسوی، ۱۳۹۱؛ زاهدی و یعقوبی، ۱۴۰۱؛ رشیدی و همکاران، ۱۴۰۴).

### ۳. کلیله و دمنه؛ ماهیت، ساختار و جایگاه

کلیله و دمنه یکی از مهم‌ترین متون کلاسیک ادبیات فارسی است که نه تنها در حوزه ادبیات و بلاغت، بلکه در قلمرو اخلاق، سیاست، حکمت عملی و علوم تربیتی نیز جایگاهی ممتاز دارد. این اثر ترجمه و بازنویسی مجموعه حکایات هندی «پنجه‌تنتره» است که ابن مقفع آن را در قرن دوم هجری از پهلوی به عربی ترجمه کرد و سپس نصرالله منشی در قرن ششم هجری آن را به فارسی برگرداند. اهمیت این اثر تنها در انتقال داستان‌های حکمت‌آموز نیست، بلکه در رویکرد فکری و تربیتی آن نهفته است؛ رویکردی که اخلاق را در تعامل مستقیم با قدرت، روابط اجتماعی، مسئولیت فردی و نظم سیاسی تعریف می‌کند و از طریق زبان نمادین و روایت تمثیلی، مخاطب را به شناخت عمیق‌تر از ساختار رفتار انسانی و پیامدهای آن هدایت می‌نماید. ماهیت کلیله و دمنه را باید در پیوند میان حکمت، سیاست و اخلاق جست‌وجو کرد (کامرانی و همکاران، ۱۴۰۱). این اثر در حقیقت نوعی کتاب تربیتی - سیاسی است که در قالب قصه، مفاهیم بنیادینی چون خردورزی، تدبیر، عدالت، دوستی و دشمن‌شناسی، صداقت، پرهیز از شتاب‌زدگی و مشورت‌جویی را طرح می‌کند. شخصیت‌های این حکایات اغلب حیواناتی هستند که ویژگی‌های روانی، اخلاقی و اجتماعی انسان‌ها را بازمی‌تابانند؛ شیری که نماد قدرت سیاسی است، روباهی که مظهر حیله‌گری و سیاست‌ورزی منفی است، گاوی که نشان‌دهنده صداقت و خیرخواهی است، و دیگر شخصیت‌هایی که هر یک نمونه‌ای تمثیلی از رفتار انسانی و نقش آن در ساختار اجتماع محسوب می‌شوند. از این منظر، اثر دارای لایه‌های تودرتویی از معناست و همین چندلایه‌گی است که سبب مانایی و اثرگذاری وسیع آن در فرهنگ ایرانی شده است (عسکری الموتی و بابائی، ۱۴۰۴). ساختار روایت در کلیله و دمنه پیچیده و نظام‌مند است. روایت اصلی غالباً در قالب گفت‌وگو میان دبیر و پادشاه یا میان دمنه و دیگر شخصیت‌ها پیش می‌رود، و در دل آن حکایات متعدد دیگری نقل می‌شود که هر کدام به‌گونه‌ای معنای روایت اصلی را تعمیق می‌بخشند. این ساختار موسوم به ساختار «حکایت در حکایت» باعث می‌شود متن، هم جذابیت داستانی داشته باشد و هم امکان انتقال تدریجی و چندمرحله‌ای پیام‌های اخلاقی و سیاسی فراهم گردد. زبان اثر نیز مملو از صناعات ادبی، استعاره‌ها، کنایات و اشارات حکمی است که موجب غنا و عمق معنایی متن شده و مخاطب را به خوانشی تفسیری و تأملی دعوت می‌کند (صدیقی، ۱۴۰۱).

جایگاه کلیله و دمنه در ادبیات فارسی بی‌تردید برجسته است؛ چرا که نه تنها از حیث ساختار و سبک داستان‌پردازی الگوی بسیاری از آثار بعدی نظیر مرزبان‌نامه و گلستان سعدی بوده، بلکه در تربیت اخلاقی و سیاسی نسل‌ها نقش مهمی ایفا کرده است. این اثر به‌ویژه در سنت تربیت شاهزادگان و رجال سیاسی ارزش فراوان داشته و معمولاً به‌عنوان متنی برای تعلیم سیاست‌مردی، مدیریت نفس، شناخت دوست و دشمن و تدبیر در امر اجتماع به کار می‌رفته است. افزون بر این، حضور آن در ادبیات رسمی و غیررسمی آموزش، نسخه‌برداری‌های فراوان، و نفوذ فرهنگی عمیقش در ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌های عامیانه نشان می‌دهد که کلیله و دمنه نه صرفاً کتابی ادبی، بلکه سندی تمدنی در حوزه تفکر تربیتی ایرانی - اسلامی است (سلمانی و مجلی‌زاده، ۱۳۹۵).

بدین ترتیب، می‌توان گفت که کلیله و دمنه در سه سطح قابل بررسی است: نخست به‌عنوان اثری ادبی و روایی با ساختار تمثیلی و سبک هنری منسجم؛ دوم به‌عنوان کتابی تربیتی که نظام اخلاقی مبتنی بر عقلانیت و تدبیر را ارائه می‌کند؛ و سوم به‌عنوان منبعی سیاسی که به ظریف‌ترین شکل ممکن، شیوه درست حکمرانی و مدیریت روابط اجتماعی را تبیین می‌نماید. این سه سطح در هم تنیده‌اند و فهم کلیله و دمنه جز از رهگذر مطالعه هم‌زمان این ابعاد میسر نیست. چنین نگرشی است که این اثر را به یکی از معدود متون ادبی تبدیل کرده که می‌توان آن را هم‌آینه اخلاق فردی دانست و هم الگوی رفتار اجتماعی و سیاسی. بر این اساس، تحلیل ابعاد مختلف این متن کمک می‌کند تا به فهم دقیق‌تری از پیوند معنادار میان حکمت و اخلاق اجتماعی دست یابیم و مسیر انتقال مفاهیم اخلاقی از عرصه فردی به ساحت جمعی و سیاسی را کشف کنیم.

#### ۴. تمثیل در ادب تعلیمی

تمثیل به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین شگردهای بیانی در ادبیات تعلیمی، جایگاهی ویژه و غیرقابل‌انکار دارد؛ زیرا این شیوه نه تنها ابزار تبیین مفاهیم اخلاقی و حکمی است، بلکه سازوکاری برای انتقال تدریجی و غیرمستقیم معنا و تربیت ذهن مخاطب محسوب می‌شود (سعیدی و همکاران، ۱۴۰۱). در سنت ادبی و معرفتی ایرانی-اسلامی، تمثیل همواره در خدمت روشن کردن حقیقت‌های پیچیده و انتزاعی قرار گرفته است. حکیمان و اندیشمندان دریافته بودند که مفاهیم اخلاقی و فلسفی، اگر صرفاً در قالب استدلال عقلانی بیان شوند، ممکن است برای عموم دشوار و دسترس‌ناپذیر جلوه کنند؛ از همین رو، تمثیل را ابزاری کارآمد برای ساده‌سازی حقیقت و تبدیل آن به تجربه‌ای ملموس و قابل درک برگزیدند (زاهدی و یعقوبی جنبه سرایی، ۱۴۰۱). تمثیل به متن امکان می‌دهد که ایده‌های ژرف و نیازمند تأمل را در بستری تخیلی و روایت‌محور عرضه کند و در مخاطب شور دریافت، هم‌ذات‌پنداری و در آخر پذیرش و اصلاح رفتار ایجاد نماید. بنابراین، تمثیل در ادبیات تعلیمی نه فقط وسیله‌ای برای زیبایی‌آفرینی و هنرنمایی ادبی، بلکه سازوکار اصلی آموزش و انتقال معناست.

ادبیات تعلیمی فارسی مملو از نمونه‌های تمثیلی است که به کمک داستان‌پردازی، مفاهیم اخلاقی، تربیتی و اجتماعی را در سطحی گسترده به مخاطب منتقل کرده است. از قرآن کریم و نهج‌البلاغه تا مرزبان‌نامه، مثنوی معنوی، گلستان سعدی و کلیله و دمنه، استفاده از تمثیل نه تنها بخشی از هنر روایی، بلکه ستون اصلی حکمت‌ورزی محسوب می‌شود. تمثیل در این آثار، پیوند میان تجربه انسانی و حکمت آسمانی یا عقلانی را ممکن می‌سازد و از رهگذر روایت‌سازی، شنونده یا خواننده را به مسیری از شناخت و خودآگاهی سوق می‌دهد. ویژگی مهم تمثیل در ادبیات تعلیمی این است که پیام را از طریق تصویرسازی رفتاری، نمونه‌های عینی و الگوهای عملی منتقل می‌کند؛ بدین معنا که ایراد اخلاقی، ضعف شخصیتی یا فضیلت انسانی نه به‌صورت شعار یا اندرز مستقیم، بلکه در قالب رفتار شخصیت‌ها و نتایج کنش‌های آنان نشان داده می‌شود (حسینی سروری و طالبیان، ۱۳۹۲).

کارکرد تمثیل در این حوزه به‌مراتب فراتر از سرگرمی یا غنای زیبایی‌شناختی است. تمثیل ساختاری چندلایه دارد که در آن پیام صریح و لایه‌های پنهان معنا در کنار یکدیگر عمل می‌کنند. لایه نخست معمولاً داستانی ساده و قابل‌درک است که مخاطب را جذب و همراه می‌کند؛ اما لایه دوم، پیام اخلاقی یا حکمی است که مخاطب پس از تأمل و تحلیل بدان دست می‌یابد. این فرآیند سبب می‌شود که معنا در ذهن خواننده ماندگار و تأثیرگذار شود؛ زیرا او تنها شنونده پیام نیست، بلکه در کشف و دریافت آن مشارکت می‌کند. از این منظر، تمثیل نوعی روش تربیتی است که فهم و تشخیص را در ذهن مخاطب فعال می‌سازد و او را از حالت پذیرفتاری منفعل خارج می‌کند (تاج‌بخش و محمدی، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، تمثیل در ادبیات تعلیمی نقش مهمی در تلطیف نصیحت و انتقاد اجتماعی دارد. در بسیاری از آثار حکمی، به‌ویژه متن‌هایی که خطاب به حاکمان یا صاحبان قدرت نوشته شده‌اند، نقد مستقیم ممکن بوده است خطرآفرین باشد و حتی منجر به سرکوب و حذف اندیشه‌ورز گردد. در چنین بافت‌هایی، تمثیل نقش سپری هوشمندانه را ایفا می‌کند و امکان طرح مسائل حساس سیاسی و اخلاقی را در قالب داستانی ظاهراً بی‌خطر فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، گفت‌وگو درباره عدالت، ظلم، دنیاطلبی، فساد قدرت، خیانت، و ضرورت مشورت و تدبیر، از طریق گفت‌وگو میان حیوانات یا شخصیت‌های نمادین وارد متن می‌شود و حقیقت‌طلبی نویسنده را از گزند واقعیت سیاسی مصون نگاه می‌دارد. این کارکرد دوگانه که هم پیام اخلاقی را حفظ می‌کند و هم امنیت نویسنده و اثر را، یکی از دلایل ماندگاری و گسترده‌گی استفاده از تمثیل در ادبیات تعلیمی است.

بنابراین باید گفت تمثیل در ادبیات تربیتی، پلی میان جهان عینی و حقیقت‌های والای اخلاقی است. تمثیل به زبان جان می‌بخشد، کردار را جایگزین گفتار می‌کند، و مخاطب را از مرتبه دانستن به مرحله فهمیدن و سپس باور و عمل می‌رساند. ارزش تمثیل در این است که آموزش را به تجربه‌ای زیسته بدل می‌کند و از طریق حکایت، عبرت و آینه‌بندی، انسان را به تأمل درباره خویش، نقش خود

در اجتماع و مسئولیت‌هایی که در برابر دیگران دارد، فرا می‌خواند. از همین‌رو، درک نقش بنیادین تمثیل در ادبیات تعلیمی، مقدمه‌ای ضروری برای فهم ساختار معرفتی آثاری چون کلیله و دمنه است که در ادامه، تحلیل جامع‌تری از جایگاه تمثیل در این اثر ارائه خواهد شد.

## ۵. معرفی حکایت بوزینه و لاک‌پشت و اهداف آموزشی آن

حکایت «بوزینه و لاک‌پشت» یکی از مشهورترین و پرمغزترین حکایات کلیله و دمنه است که با ساختاری تمثیلی و ماهیتی کاملاً اخلاقی و تعلیمی، به بررسی رابطه‌ی دوستی، اعتماد، فریب، و قدرت عقل در مواجهه با خطر می‌پردازد. در این حکایت، بوزینه‌ای بر درختی کنار رودخانه زندگی می‌کند و با لاک‌پشتی که در آب است، آشنا می‌شود. دوستی میان آن دو شکل می‌گیرد و بوزینه، از روی صفا و بی‌پیرایگی، برای لاک‌پشت میوه می‌فرستد و او را مهمان محبت خود می‌کند. لاک‌پشت نیز دل در دوستی او می‌بندد؛ اما هنگامی که همسر لاک‌پشت به بیماری دچار می‌شود و طبیعی برای علاج وی به خوردن دل بوزینه تجویز می‌کند، لاک‌پشت میان محبت و منفعت درمی‌ماند و سرانجام فریب‌خورده از خواسته‌ی نفس و فشار نیاز دنیوی، تصمیم می‌گیرد بوزینه را به حیل به خانه‌ی خود بکشد و قربانی کند. بوزینه اما با زیرکی دریافته و با چاره‌جویی، جان خویش می‌رهاند و دوستی با لاک‌پشت به جدایی و عبرت می‌انجامد. این حکایت از همان ابتدا بر محور دو مفهوم اساسی می‌چرخد: سادگی و اعتماد بی‌حد در دوستی و فریب و خیانت ناشی از خواسته‌های نفسانی و نیازهای مادی (بیات و همکاران، ۱۴۰۴).

از لحاظ ساختاری، حکایت بوزینه و لاک‌پشت همچون دیگر حکایات کتاب، مبتنی بر تقابل‌های محوری است: وفاداری در برابر خیانت، عقل در برابر فریب، و حکمت در برابر طمع. این حکایت نمونه‌ای روشن از روایت حلقوی و زنجیره‌ای در ادبیات تعلیمی است؛ بدین معنا که طرح داستان مبتنی بر شکل‌گیری رابطه‌ای ساده و بی‌غل‌وغش آغاز می‌شود، سپس در نقطه‌ی اوج با بحران خیانت و خطر مواجه می‌گردد و سرانجام در پایان با پیروزی عقل و بازگشت به امنیت، پیام اخلاقی خود را تثبیت می‌کند. نکته درخور توجه این است که روایت، هرچند ظاهراً درباره‌ی حیوانات است، اما در اصل، بیانگر رفتارهای انسانی و پیچیدگی روابط اجتماعی میان آدمیان است. بوزینه و لاک‌پشت در این داستان، نماد دو گروه از انسان‌ها هستند: یکی کسانی که با صفا و بی‌ریایی زندگی می‌کنند و دیگری کسانی که تحت فشار نیازها و وسوسه‌ها، پیوندهای انسانی را قربانی منافع شخصی می‌سازند. این تمثیل هوشمندانه، ادبیات داستانی را به میدان فلسفه‌ی اخلاق و جامعه‌شناسی رفتاری پیوند می‌دهد.

اهداف آموزشی این حکایت در گستره‌ای چندلایه قابل بررسی است. نخست، تربیت اخلاقی محور اصلی داستان است و خواننده را به تفکر درباره‌ی مفهوم دوستی واقعی، معیار اعتماد، و حدود روابط انسانی دعوت می‌کند. دوم، آموزش خردورزی و دوراندیشی در مواجهه با تهدیدها و فریب‌هاست؛ پیام اساسی آن است که انسان باید در عین داشتن نیت پاک، از سادگی مفرط و اعتماد بی‌حساب پرهیز کند و در روابط اجتماعی جانب احتیاط و عقلانیت را نگاه دارد. سوم، این داستان نسبت به آسیب‌شناسی اخلاق اجتماعی هشدار می‌دهد و به ما می‌آموزد که چگونه منافع زودگذر و فریب وعده‌های مادی، ممکن است وفاداری و انصاف را از انسان بگیرد و او را به ورطه‌ی سقوط اخلاقی بکشد. افزون بر این، حکایت بر ضرورت هوشیاری در برابر دوست‌نمایان تأکید می‌کند؛ افرادی که ظاهراً مهر می‌ورزند اما در باطن منافع پنهان دارند. سرانجام، این روایت نگاه کل‌گرایانه‌ای به حکمت عملی ارائه می‌دهد؛ حکمت به‌عنوان توانایی تشخیص موقعیت، انتخاب درست و حفظ جان و حیثیت در برابر تهدید و فریب. به طور کلی، حکایت بوزینه و لاک‌پشت نه تنها نمونه‌ای روشن از ادبیات پندآموز است، بلکه پیوندی استوار میان اخلاق فردی، حکمت اجتماعی، و رفتارشناسی انسانی برقرار می‌کند. در این روایت، داستان‌پردازی در خدمت انتقال مفاهیم حکمی و اجتماعی قرار می‌گیرد و خواننده را به تأمل درباره‌ی ارزش دوستی، نقش عقل در حفظ جان و شرف، و پرهیز از خیانت و طمع وامی‌دارد. این حکایت نشان می‌دهد که ادبیات تعلیمی تنها محدود به اندرز مستقیم

نیست، بلکه با بهره‌گیری از تمثیل و داستان‌پردازی حیوانات، پیام‌هایی بس ژرف و پایدار را منتقل می‌سازد؛ پیام‌هایی که نه فقط در زمان نگارش اثر، بلکه در جهان امروز نیز راهنمای روابط اجتماعی و اخلاق انسانی‌اند.

## ۶. ساختار تمثیلی حکایت و کارکردهای آن

ساختار تمثیلی در کلیله و دمنه به‌ویژه در حکایت «بوزینه و لاک‌پشت» نه تنها ابزار روایت، بلکه شاکله اصلی اندیشه‌ورزی و انتقال حکمت است. تمثیل در این اثر، پلی است که میان واقعیت و خیال، تجربه زیسته و آموزه اخلاقی، و جهان حیوانات و انسان‌ها ایجاد می‌کند. در این ساختار، حیوانات نقش سخنگویان حقیقت انسانی را برعهده می‌گیرند؛ سخنی که اگر مستقیماً از زبان انسان بیان می‌شد، یا تلخ می‌آمد یا حساسیت‌برانگیز بود. نویسنده با انتخاب حیوانات و پوشاندن مفاهیم انسانی در قالب رفتار و گفتار آنها، از یک سو مخاطب را از تعصبات و مقاومت‌های ذهنی دور می‌سازد و از سوی دیگر، تأثیر روانی و تعلیمی پیام را ژرف‌تر می‌کند. این ساختار تمثیلی، نه صرفاً آرایه ادبی، بلکه سازوکار انتقال تجربه و حکمت سیاسی، اخلاقی و اجتماعی است (آهی و مهربانی ممدوح، ۱۳۹۴).

حکایت بوزینه و لاک‌پشت نمونه برجسته‌ای است از این نظام تمثیلی چندلایه. در سطح نخست، با داستانی ساده مواجهیم: دو حیوان نماینده دو جهان متفاوت—خشکی و آب—با یکدیگر آشنا می‌شوند و دوستی می‌ورزند. اما در لایه دوم، این دو حیوان نماد دو نوع انسان‌اند: انسان صمیمی و بی‌ریا در برابر انسان گرفتار در نیاز و وسوسه. تقابل میان پاک‌دلی و خیانت، نجات از طریق عقل و سقوط به سبب طمع، در قالب کنش شخصیت‌ها شکل می‌گیرد. در سطح سوم، تمثیل بر رفتارهای اجتماعی و سیاسی نیز دلالت دارد؛ به‌گونه‌ای که لاک‌پشت را می‌توان نماینده کسانی دانست که تحت تأثیر قدرت، فشار خانواده یا اجتماع، و یا منفعت‌طلبی، اصول اخلاقی را قربانی می‌کنند. و بوزینه نماد انسان هوشمند و سیاست‌مداری است که با دوراندیشی، سوءنیت را تشخیص می‌دهد و از دام می‌گریزد. این لایه‌مندی باعث می‌شود که تمثیل، تنها حکایت نیکی و بدی نباشد، بلکه سازوکاری برای تحلیل رفتار انسان در عرصه عمومی و خصوصی گردد (امینی و نجفی بهزادی، ۱۴۰۴).

از منظر کارکردهای آموزشی، تمثیل در این روایت نقش چندگانه دارد. نخست، ایجاد فاصله هنری است که مخاطب را به تماشاگر رفتار انسانی بدل می‌کند؛ بدین‌گونه، آدمی با تماشای رفتار حیوانات، راحت‌تر به داوری درباره کردار انسان‌ها می‌نشیند و حقیقت را بی‌واسطه درمی‌یابد. دوم، تقویت حافظه و تأثیر عاطفی است؛ زیرا داستان و تصویر ذهنی حیوانات، آموزه اخلاقی را ماندگار می‌سازند. سوم، امکان نقد غیر مستقیم قدرت و اجتماع است؛ نکته‌ای که در محیط سیاسی حساس دوران تألیف کتاب، ضرورتی حیاتی داشت. نویسنده، با پناه‌بردن به زبان تمثیل، ساختارهای ناروای قدرت، خیانت‌های سیاسی و بی‌ثباتی وفاداری‌ها را نقد می‌کند، بی‌آنکه در معرض خشم پادشاهان قرار گیرد. چهارم، تحریک تفکر و بصیرت در مخاطب است؛ چرا که خواننده باید لایه‌های معنایی را خود کشف کند و این کشف، درونی‌سازی اخلاق را تقویت می‌کند. تمثیل، ذهن را فعال نگه می‌دارد و خواننده را از پذیرش منفعلانه آموزه‌ها رها می‌سازد. نکته دیگر، رابطه تمثیل با عنصر فریب و چاره‌جویی در این حکایت است. غایت تمثیل، تنها روایت یک خیانت نیست، بلکه تأکید بر نقش عقل در بقا و رهایی است. بوزینه با دروغی تدبیری—که از سر نجات جان است—خود را از مرگ می‌رهاند. در اینجا، تمثیل به چالش مهمی در اخلاق می‌پردازد: آیا دروغ در موقعیت خطر اخلاقاً موجه است؟ پاسخ متن، در چارچوب اخلاق حکمی ایرانی، روشن است: حکمت عملی بر اخلاق صرف تقدم دارد؛ زیرا هدف، حفظ جان و دفع ظلم است. بنابراین، تمثیل زمینه‌ای می‌شود برای طرح مسائل پیچیده اخلاقی، و نه صرفاً توصیه‌های ساده و خطی.

در مجموع، ساختار تمثیلی حکایت بوزینه و لاک‌پشت، همچون معماری معنا، حقیقت را در قالب تجربه داستانی به ذهن و دل مخاطب منتقل می‌کند. این ساختار، آموزه‌ها را در ظاهری نرم و دلچسب ارائه می‌دهد، اما در باطن، نقدی تیز و تحلیل‌محور از روابط انسانی و اجتماعی است. کلیله و دمنه با چنین تمثیل‌هایی، اخلاق را به حکمت پیوند می‌زند و مخاطب را به عرصه سنجش، تعقل و عبرت‌گیری

فرا می‌خواند. به بیان دیگر، تمثیل در این حکایت نه راه فرار به خیال، بلکه راه ورود به حقیقت است؛ حقیقتی که در لایه‌های داستان پیچیده شده و مخاطب را به کشف و تأمل عمیق دعوت می‌کند.

#### جدول ۱: تحلیل ساختار تمثیلی حکایت بوزینه و لاک‌پشت

عناصر تمثیلی	نماد و مفهوم	کارکرد آموزشی و اخلاقی	مثال از حکایت
بوزینه	خردورزی، وفاداری، اخلاق متعادل	آموزش حکمت عملی و تصمیم‌گیری صحیح در بحران	دروغ مصلحت‌آمیز برای نجات جان
لاک‌پشت	طمع، فریب، اخلاق آسیب‌پذیر	نمایش پیامدهای رفتار ناپخته و بی‌حکمت	فریب دادن بوزینه به خاطر نیاز شخصی
حیوانات دیگر	عوامل محیط اجتماعی	نشان دادن تأثیر محیط و فشارهای اجتماعی بر اخلاق	تأثیر همسر لاک‌پشت بر تصمیم‌گیری

جدول اول به بررسی ساختار تمثیلی حکایت بوزینه و لاک‌پشت می‌پردازد و نشان می‌دهد که هر عنصر تمثیلی چگونه مفاهیم اخلاقی و اجتماعی را بازنمایی می‌کند. بوزینه مظهر خرد، وفاداری و اخلاق متعادل است و با تصمیم‌گیری خردمندانه، پیامدهای منفی بحران را کاهش می‌دهد. لاک‌پشت نماینده طمع و فریب است و بی‌حکمت عمل کردن او، پیامدهای اخلاقی منفی برای خود و دیگران به دنبال دارد. حیوانات دیگر نیز نمادی از تأثیر محیط و فشارهای اجتماعی بر رفتار شخصیت‌ها هستند. این جدول به خواننده کمک می‌کند تا پیوند میان عناصر داستانی و آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی را به صورت ملموس مشاهده کند و ساختار تمثیلی اثر را درک نماید.

#### ۷. عناصر تعلیمی و پیام‌های اخلاقی حکایت

حکایت «بوزینه و لاک‌پشت» در کلیله و دمنه از شاخص‌ترین نمونه‌های ادبیات تعلیمی در سنت نثر فارسی است؛ حکایتی که در ظاهر داستانی ساده و کودکانه می‌نماید، اما در باطن لایه‌هایی پیچیده از حکمت عملی، اخلاق اجتماعی، و شناخت رفتار انسان در روابط فردی و جمعی را در خود جای داده است. عناصر تعلیمی این حکایت نه صرفاً در قالب اندرزهای مستقیم، بلکه در بطن کنش‌های شخصیت‌ها، چالش‌های اخلاقی، و پیامدهای رفتاری پنهان است. در نتیجه، مخاطب با خواندن روایت، نه تنها حقیقتی اخلاقی را دریافت می‌کند، بلکه آن را در قالب تجربه و آزمون درونی می‌پذیرد. این شیوه، از خصایص ممتاز ادبیات تمثیلی در فرهنگ اسلامی - ایرانی است؛ ادبیاتی که توصیه را با تأمل، روایت را با تحلیل، و اخلاق را با خرد سیاسی و اجتماعی همراه می‌سازد.

نخستین پیام برجسته حکایت، اهمیت دوستی خردمندانه و ضرورت احتیاط در اعتماد است. بوزینه در آغاز داستان نماد صفای انسانی است؛ دوستی‌اش بی‌آلایش و مهربانی‌اش بی‌چشمداشت است. اما همین پاکدلی، در آغاز او را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ زیرا بدون سنجش ماهیت دوستی و بی‌آنکه نیازهای واقعی مخاطب را بشناسد، مهر و عطوفت می‌ورزد. این نکته یادآور آموزه‌های اخلاق اجتماعی در سنت ایرانی است که همواره بر تعادل میان نیک‌خواهی و هوشمندی تأکید داشته است. چنان‌که حکمای ما گفته‌اند: «عقل بی‌محبت خشک است و محبت بی‌عقل خطرناک». در حکایت، خطر نه از دشمن، بلکه از دوست نادان و دروغگو برمی‌خیزد و همین پیام بنیادین را می‌آفریند که در روابط انسانی، تشخیص دوست راستین از دوست‌نمای فریبکار اساس سعادت اجتماعی است. از سوی دیگر، لاک‌پشت نماد انسانی است گرفتار تقابل میان اخلاق و منفعت. او میان دو ارزش می‌ماند: وفاداری به دوستی یا تأمین نیاز خانواده. شکست او در

این دوگانگی، درس اخلاقی مهمی را به مخاطب منتقل می‌کند: مغالطه توجیه اخلاقی برای خیانت. لاک‌پشت می‌پندارد که نیاز و اضطرار، مجوزی برای بی‌وفایی و فریب است. چنین توجیهی، در جامعه نیز رایج است؛ بسیاری از خیانت‌ها، رشوه‌ها، بی‌عدالتی‌ها و فریب‌ها با توجیه نان، نیاز، فشار یا اضطرار صورت می‌گیرد. حکایت به‌نرمی اما قاطعانه می‌آموزد که اخلاق، در سختی‌ها محک می‌خورد، نه در آسایش. اگر انسان هنگام نیاز، اصول را رها کند، اخلاق او سطحی و ناپایدار است.

از دیگر عناصر تعلیمی مهم در این حکایت، برتری عقل و تدبیر بر نیروی جسم و هیجان است. بوزینه قدرت بدنی برتر ندارد؛ اما نیروی اصل بنیادین حکمت عملی را داراست: توانایی تشخیص موقعیت و یافتن راه نجات. هنگامی که حیله لاک‌پشت را درمی‌یابد، به‌جای هیجان‌زدگی یا خشونت، از تاکتیک عقلانی بهره می‌گیرد و با بیان این دروغ مصلحت‌آمیز که «دلش را بر درخت جا گذاشته»، خود را رها می‌سازد. این رفتار، آموزه‌ای ژرف در سنت اندیشگی ایران است که آن را «دروغ برای دفع ضرر عظیم» یا «صدق دروغ‌نما» می‌نامند. یعنی جای‌گاه ارزش اخلاقی سخن، به مقصد و نیت وابسته است نه صرف ظاهر لفظ. در اینجا، حفظ جان و دفع شر ظلم، ارزش اخلاقی برتر از پایبندی خشک به راستگویی مطلق معرفی می‌شود. این نکته، از پیچیده‌ترین مباحث اخلاق کاربردی است و نشان می‌دهد که کلیله و دمنه نه اخلاق کودکانه، که اخلاق فلاسفه و حکمای جامعه است.

عنصر تعلیمی دیگر، شناخت خطر طمع و پیامدهای آن است. بیماری همسر لاک‌پشت و وعده درمان، تصویر نمادین طمع و نیاز است؛ نیازی که اگر با عقل و اصول همراه نباشد، انسان را به ورطه خیانت می‌کشاند. در حکایت، همسر لاک‌پشت با سخنی ظاهرالصلاح و چرب‌زبانانه، او را به خیانت تشویق می‌کند؛ این نقش به‌خوبی نشان می‌دهد که منشأ فساد اخلاقی گاهی وسوسه نزدیکان و نفوذ محیط اجتماعی است، نه شرّ بیرونی و آشکار. متن بدین‌گونه هشدار می‌دهد که اخلاق فردی بدون احساس مسئولیت اجتماعی و مقاومت در برابر فشار محیط، شکننده است. در فرهنگ ایرانی، «بصیرت» یعنی شناخت دام‌های اجتماعی و روانی در روابط انسانی، و این حکایت مصداق آموزنده آن است. به‌علاوه، حکایت حامل پیام مهمی درباره لزوم جبران‌ناپذیری برخی خطاها است. لاک‌پشت پس از شکست، از دوستی و فرصت رشد اخلاقی محروم می‌شود. این پیام تلخ و واقع‌بینانه است: برخی خطاها، هرچند از سر اضطرار یا فریب باشد، رابطه را برای همیشه ویران می‌کند. ادبیات تعلیمی ایرانی برخلاف پندنامه‌های صرفاً مذهبی، حقیقت‌گرگ‌گونه جهان اجتماعی را نیز یادآور می‌شود: اعتماد، سرمایه نادر و ارزشمند است؛ شکستن آن بازسازی‌پذیر نیست. چنین تلقی‌ای، این اثر را به متنی اخلاقی - اجتماعی بدل می‌کند که با روانشناسی امروز نیز هماهنگ است.

در لایه‌ای عمیق‌تر، حکایت به پیوند حکمت و اخلاق اجتماعی می‌پردازد؛ همان محور اصلی پژوهش حاضر. اخلاقی که در این داستان تبلیغ می‌شود، اخلاق فرد منزوی نیست، بلکه اخلاق انسان در شبکه روابط اجتماعی و میان‌فردی است؛ اخلاقی که باید متکی بر عقل، دوراندیشی، شناخت نیت‌ها، و قدرت تشخیص موقعیت باشد. از منظر تربیت اجتماعی، این اثر بیان می‌دارد که اخلاق بدون حکمت آسیب‌پذیر است، و حکمت بدون اخلاق خطرناک. بوزینه نماینده حکمت اخلاقی است، و لاک‌پشت نمونه اخلاق بدون انعطاف و بدون تفکر. نتیجه تقابل آن‌ها، نشان می‌دهد که جامعه سالم نیازمند ترکیب همدلانه خرد و اخلاق است. در آخر، این حکایت به مخاطب می‌آموزد که بقا و رهایی نه با خشونت، بلکه با گفت‌وگو و چاره‌جویی محقق می‌شود. بوزینه دشمن را نابود نمی‌کند؛ بلکه با راه‌حل هوشمندانه از دام می‌گریزد و موقعیت را مدیریت می‌کند. در جهانی که روابط انسانی پر از رقابت و سوءظن است، این رویکرد یکی از بلندترین پیام‌های فرهنگی ایرانی است: پیروزی خاموش و نرم، برتری دارد بر نبرد خونین و آشکار. به‌عبارت دیگر، آموزه اصلی حکایت، نوعی هوش اخلاقی - اجتماعی است؛ توانایی توازن میان ارزش‌ها، واکنش عقلانی در لحظه‌های بحرانی، و گزینش راه‌های کم‌هزینه برای حل تعارض.

در جمع‌بندی، عناصر تعلیمی و پیام‌های اخلاقی حکایت بوزینه و لاک‌پشت، گستره‌ای چندبعدی از ارزش‌های انسانی را پوشش می‌دهند: از وفاداری و امانت گرفته تا دوراندیشی و تدبیر، از نقد طمع و خیانت تا ستایش عقل منجی و اخلاق مقاوم در برابر اضطرار. این حکایت

نه اندر زنامه‌ای ساده، بلکه درس‌نامه‌ای برای رفتار انسانی در جامعه است؛ مرز باریک میان صداقت و مصلحت، محبت و حماقت، و نیاز و خیانت را نشان می‌دهد و مخاطب را به انتخاب آگاهانه و خردمندانه فرامی‌خواند. ارزش این داستان در آن است که اخلاق را نه امر انتزاعی، بلکه در تجربه پیچیده زیست اجتماعی می‌آموزد؛ از همین روست که پس از قرن‌ها، همچنان کارآمد، زنده و راهنماست.

#### جدول ۲: عناصر تعلیمی و پیام‌های اخلاقی حکایت

عناصر تعلیمی	پیام اخلاقی	اهمیت اجتماعی
دوستی خردمندانه	اعتماد متقابل و تشخیص دوست راستین	حفظ روابط انسانی سالم
تدبیر و عقل عملی	اولویت تصمیم‌گیری خردمندانه بر احساس و هیجان	کاهش پیامدهای منفی رفتارها
پیامد طمع و فریب	اخلاق آسیب‌پذیر در مواجهه با نیاز و فشار	ضرورت تربیت اخلاقی و مسئولیت‌پذیری
ترکیب حکمت و اخلاق	اخلاق پایدار با خرد و تدبیر تحقق می‌یابد	راهنمایی زندگی اجتماعی و فردی

جدول دوم بر پیام‌های تعلیمی و اخلاقی داستان تمرکز دارد و نشان می‌دهد که هر عنصر تعلیمی چه پیام اخلاقی و اجتماعی برای مخاطب دارد. دوستی خردمندانه بر اهمیت اعتماد متقابل و شناخت دوست راستین تأکید می‌کند. تدبیر و عقل عملی، ضرورت اولویت تصمیم‌های خردمندانه بر احساس و هیجان را بیان می‌کند. پیامد طمع و فریب، هشدار به اخلاق آسیب‌پذیر و پیامدهای رفتار ناپخته را ارائه می‌دهد و ترکیب حکمت و اخلاق، مسیر دستیابی به اخلاق پایدار در زندگی اجتماعی و فردی را نشان می‌دهد. این جدول جمع‌بندی روشنی از آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی حکایت ارائه می‌دهد و کاربرد آن را در آموزش اخلاق اجتماعی برجسته می‌کند.

#### ۸. حکمت عملی و اخلاق اجتماعی در حکایت

حکایت «بوزینه و لاک‌پشت» در کلیله و دمنه را می‌توان نمونه‌ای برجسته از پیوند وثیق میان حکمت عملی و اخلاق اجتماعی در سنت ادبی - فکری ایران و جهان اسلام دانست (امیری یاسی کند و همکاران، ۱۴۰۰). این داستان، اخلاق را نه در سطح توصیه‌های مجرد و آرمانی، بلکه در میدان واقعی روابط انسانی و کشمکش‌های روانی و اجتماعی طرح می‌کند. در واقع، روایت نشان می‌دهد که اخلاق تنها هنگامی معنا می‌یابد که در دل بحران و انتخاب‌های دشوار آزموده شود و حکمت عملی زمانی تحقق می‌یابد که به انسان توان تصمیم‌گیری درست در موقعیتی پیچیده و متعارض دهد. بر این اساس، حکمت و اخلاق در این حکایت نه دو مقوله جداگانه، بلکه دو ساحت از یک جوهر واحدند؛ ترکیبی که در فکر ایرانی به‌ویژه در آثار بزرگی چون بوستان سعدی، سیاست‌نامه، قابوس‌نامه و همین کلیله و دمنه به‌وضوح دیده می‌شود. در چنین نگاهی، انسان متعالی کسی است که بتواند در پیچ‌وتاب مناسبات اجتماعی، هم کرامت اخلاقی خود را حفظ کند و هم سلامت و امنیت خویش را پاس دارد.

در این حکایت، بوزینه مظهر حکمت عملی است؛ موجودی که ساده‌دل است، اما نادان نیست؛ مهربان است، اما بی‌احتیاط و خوش‌باور نمی‌ماند؛ و هنگامی که با خطری واقعی مواجه می‌شود، با تدبیر می‌گریزد، نه با خشونت. قدرت بوزینه برخاسته از شناخت موقعیت و فن‌گفت‌وگوست؛ او با کلام و چاره‌جویی از مرگ نجات می‌یابد. این پیام بسیار مهمی برای اخلاق اجتماعی است: در جامعه‌ای انسانی، توان سخن گفتن درست، ابزار مهم‌تری از زور و خشونت است. در واقع، حکمت در این داستان با «هوش اجتماعی» پیوندی ناگسستنی دارد؛ یعنی توانایی خواندن نیت‌ها، تشخیص خطر، و واکنش مناسب و سنجیده نشان دادن. بوزینه هنگامی که فریب را می‌فهمد، نه در ترس فرو می‌رود و نه در خشمی کور می‌گدازد، بلکه از مکانیسم دفاعی عاقلانه‌ای بهره می‌گیرد که شامل آرامش، چاره‌جویی و مهارت ارتباطی است. این الگو در اخلاق سیاسی و اجتماعی نیز اهمیت بسیار دارد: جامعه سالم، جامعه‌ای است که خطر را می‌شناسد، اما در برابر آن خشونت و انتقام را ترجیح نمی‌دهد، بلکه تدبیر و صلح را برمی‌گزیند (امامی و صحرايي، ۱۴۰۱).

در سوی دیگر، لاک‌پشت نماینده اخلاق آسیب‌پذیر و ناکامل است؛ اخلاقی که در برابر نیاز و فشار محیط شکست می‌خورد و از مسیر حکمت جدا می‌شود. لاک‌پشت شخصیت بدطینت و شرور نیست؛ دچار وسوسه‌های است که بسیاری از انسان‌ها ممکن است در زندگی واقعی تجربه کنند: تعارض میان نیاز خانوادگی و اصول اخلاقی. در لحظه تصمیم، او به‌جای بهره‌گیری از عقل و جستجوی راه صحیح، به فریب متوسل می‌شود و قربانی همان فریب می‌گردد. این شکست، نشان می‌دهد که اخلاق بدون پشتیبانی حکمت و دوراندیشی، تنها یک شعار است و در برخورد با واقعیت می‌شکند. بنابراین، متن در لایه‌های عمیق‌تر به ما می‌آموزد که انسان باید از پیش اخلاق را با قدرت تشخیص، بصیرت و مدیریت بحران همراه کند، تا در زمان خطر، اصول را فدای نیاز نکند. چنین آموزه‌ای از بنیادی‌ترین مباحث اخلاق اجتماعی و تربیت شهروند مسئول است؛ شهروندی که تنها درست‌کار نیست، بلکه توانمند و آگاه نیز هست (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۴). نکته برجسته دیگر در این حکایت، نقد اخلاق ساده‌انگار و ستایش اخلاق پخته و موقعیت‌مند است. در بسیاری از متون تعلیمی سطحی، درستکاری و صداقت به‌عنوان ارزش‌هایی مطلق و غیرقابل‌تغییر معرفی می‌شود؛ اما در این روایت، حکمت عملی نقش تنظیم‌گر ارزش‌ها را برعهده می‌گیرد. بوزینه با دروغی مصلحت‌آمیز جان می‌رهاند و اینجا متن درسی ظریف ارائه می‌کند: اخلاق مطلق‌گرا اگر با عقل هم‌نشین نباشد، ممکن است به نابودی انسان بینجامد. پس اخلاق، تابع فهم شرایط و اولویت‌بندی ارزش‌هاست. این اندیشه با نظریه‌های اخلاقی امروز نیز همخوان است؛ در روانشناسی و فلسفه اخلاق کاربردی، از آن به‌عنوان اصل اولویت حفظ جان و دفع ضرر شدید یاد می‌شود. حکایت، با چنین طرحی، کلیله و دمنه را از سطح پندنامه‌ای کودکانه به مرتبه فلسفه اجتماعی ارتقاء می‌دهد.

از سوی دیگر، این حکایت تصویری واقع‌بینانه از جامعه و روابط انسانی نشان می‌دهد: بی‌وفایی، طمع، تأثیر سوء محیط، وسوسه نزدیکان، و شکنندگی اعتماد. اما مهم‌تر از همه، متن راه‌حل ارائه می‌کند: عقل، بصیرت و گفت‌وگوی چاره‌گر. در اینجا، عقل نه به‌معنای زیرکی منفی و فریبکارانه، بلکه به‌صورت نیرویی برای بقا، حقیقت‌جویی و پاسداری از کرامت انسانی معرفی می‌شود. این نگرش با آموزه‌های بزرگانی چون سعدی و غزالی همسوس است که اخلاق را در کنار تدبیر و مصلحت می‌نشانند. نتیجه این پیوند آن است که انسان در جامعه نه قربانی ساده‌دلی می‌شود و نه اسیر بی‌اخلاقی، بلکه در حد وسطی متعادل قرار می‌گیرد که آن را می‌توان اعتدال اخلاقی در رفتار اجتماعی نامید. در پایان، می‌توان گفت که حکایت بوزینه و لاک‌پشت نمونه‌ای ممتاز از ادبیات حکمت‌آمیز است که در آن، اخلاق فضیلت با فلسفه عمل پیوند می‌خورد؛ داستان به ما می‌آموزد که برای زیست اخلاقی در جامعه، تنها پاک‌دلی کافی نیست؛ بلکه باید با خرد، تدبیر، و توان تشخیص موقعیت همراه باشد. حکایت تأکید دارد که جامعه انسانی نه میدان آرمان‌ها و قطعیت‌های اخلاقی محض، بلکه عرصه تعامل، رقابت، خطا، و فشارهای محیطی است. از این رو، انسان اخلاقی کسی است که در این میدان، توان حفظ اصول با هم‌زمانی انعطاف و دوراندیشی را داشته باشد. این همان حکمت عملی است که در اندیشه کلاسیک ایرانی و اسلامی بر آن تأکید شده و در این حکایت به‌زیبایی تجسم یافته: نه قربانی ساده‌لوحی باش و نه اسیر بدخویی؛ بلکه با عقل و اخلاق، در جامعه زندگی کن. به همین دلیل، این اثر، همچنان متنی زنده برای آموزش اخلاق اجتماعی است؛ نه فقط برای کودکان، که برای مدیران، سیاست‌ورزان، معلمان، دانشجویان و همه کسانی که در جهان پرچالش ارتباطات انسانی گام می‌گذارند.

## ۹. تحلیل تقابلی شخصیت‌ها و کارکرد تربیتی آن‌ها

حکایت «بوزینه و لاک‌پشت» در کلیله و دمنه از ویژگی برجسته‌ای برخوردار است: وجود شخصیت‌های تقابلی که به‌صورت نمادین اخلاق و حکمت اجتماعی را بازنمایی می‌کنند. این تقابل، علاوه بر ایجاد کشش داستانی، محور اصلی کارکرد تربیتی متن است و امکان آموزش ارزش‌ها و حکمت عملی را در قالب تجربه زیسته و دراماتیک فراهم می‌سازد. در این حکایت، بوزینه و لاک‌پشت هر یک نماینده طیفی از رفتارهای انسانی‌اند؛ بوزینه مظهر پاک‌طبعی، خردورزی، و وفاداری است و لاک‌پشت نماینده طمع، فریب‌پذیری، و تضاد میان

نیاز شخصی و اخلاق اجتماعی. از طریق این تقابل، مخاطب می‌تواند پیام اخلاقی و حکمی اثر را به‌روشنی دریابد و در ذهن خویش بازسازی کند. نخستین کارکرد تربیتی این شخصیت‌ها، ایجاد الگو و ضدالگو است. بوزینه با وفاداری، شجاعت اخلاقی، و دوراندیشی خود، الگوی رفتار متعادل و خردمندانه در روابط انسانی ارائه می‌دهد؛ شخصیتی که مخاطب را به تامل در ارزش‌های اخلاقی و نحوه مواجهه با مشکلات اجتماعی و فردی وامی‌دارد. از سوی دیگر، لاک‌پشت ضدالگوست؛ شخصیتی که با فریب، طمع، و کوتاه‌اندیشی، نتیجه تصمیمات ناپخته و بی‌حکمت را نشان می‌دهد. این تقابل باعث می‌شود که آموزه‌های اخلاقی تنها در سطح اندرز خشک باقی نماند، بلکه در قالب تجربه عملی و پیامدهای واقعی رفتارها درک شوند. مخاطب با مشاهده عواقب اعمال شخصیت‌ها، خود را در موقعیت مشابه تصور می‌کند و از این طریق یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر رخ می‌دهد.

کارکرد دوم، تقویت فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی و اجتماعی است. بوزینه و لاک‌پشت نماینده دو واکنش متفاوت به موقعیت بحرانی‌اند: واکنش عقلانی و حساب‌شده در برابر خطر، و واکنش هیجانی و ناپخته ناشی از طمع و نیاز. از طریق این تقابل، مخاطب به بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری انسانی دعوت می‌شود: آیا انتخاب بر اساس خرد است یا احساس؟ آیا اصول اخلاقی در برابر فشارهای اجتماعی یا نیازهای فردی دوام می‌آورند؟ این تحلیل، نوعی تمرین ذهنی و تربیت درونی برای مواجهه با پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند و خواننده را آماده می‌سازد تا در عمل نیز از تصمیمات ناپخته پرهیز کند. کارکرد سوم، تبیین نقش رابطه میان حکمت و اخلاق اجتماعی است. شخصیت بوزینه نشان می‌دهد که اخلاق بدون حکمت عملی ناتوان است و حکمت بدون اخلاق، بی‌ثمر یا خطرناک می‌شود. او در مواجهه با فریب، نه با خشونت، نه با تردید، بلکه با استفاده از چاره‌جویی هوشمندانه، جان خود را حفظ می‌کند. لاک‌پشت اما با غفلت و توجه صرف به نیازهای خود و دیگران، نه تنها به اخلاق وفادار نمی‌ماند، بلکه دوستی ارزشمند را نیز از دست می‌دهد. این تقابل، درس اخلاقی را با عینیت و نمونه‌های عملی به مخاطب منتقل می‌کند و نشان می‌دهد که سعادت فردی و اجتماعی به هم آمیخته است و رعایت هر دو نیازمند تعادل و خردورزی است.

علاوه بر این، شخصیت‌ها با نمایش پیامدهای اخلاقی و اجتماعی رفتارها، نقش آموزنده مستقیم و غیرمستقیم دارند. پیامدهای مثبت رفتار بوزینه (نجات، حفظ اعتماد، پیروی از خرد) و پیامدهای منفی رفتار لاک‌پشت (خسارت به دوستی، تجربه پشیمانی، از دست رفتن فرصت تربیتی) به روشنی نشان می‌دهند که هر انتخاب، چه اخلاقی و چه ناپخته، بازتابی اجتماعی دارد. این بازتاب‌ها، مخاطب را به تفکر درباره تأثیر رفتار شخصی بر اجتماع و روابط میان‌فردی وامی‌دارند و به آموزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردی کمک می‌کنند. نکته مهم دیگر، توسعه مهارت‌های شناختی و عاطفی مخاطب است. تقابل شخصیت‌ها باعث فعال شدن مهارت‌های تحلیلی و ارزیابی اخلاقی می‌شود. خواننده مجبور است انگیزه‌ها، نیت‌ها، و پیامدهای هر رفتار را تشخیص دهد و در نتیجه، توانمندی‌های تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری اخلاقی و تحلیل موقعیت اجتماعی تقویت می‌شود. این فرآیند، یادگیری غیرمستقیم اما عمیق را ممکن می‌سازد و نشان می‌دهد که کارکرد تربیتی ادبیات تعلیمی تنها محدود به انتقال اندرز نیست، بلکه شامل تربیت فکری، اخلاقی، و اجتماعی هم‌زمان است (کامران، و همکاران، ۱۴۰۱).

بنابراین، تقابل شخصیت‌ها در این حکایت، ارتقای حس عدالت و انصاف در مخاطب را به دنبال دارد. بوزینه به‌عنوان نماد عدالت و دوراندیشی عمل می‌کند، و لاک‌پشت به‌عنوان نمونه‌ای از بی‌عدالتی و ضعف اخلاقی. این تضاد باعث می‌شود که ارزش‌هایی چون انصاف، صداقت، وفاداری و مسئولیت‌پذیری روشن و ملموس به مخاطب عرضه شود. مخاطب، با مشاهده عواقب انتخاب‌ها، درمی‌یابد که عدالت و اخلاق اجتماعی تنها شعار نیست، بلکه عملی است که نیازمند خرد، هوشیاری و بینش درست است. بنابراین، تحلیل تقابلی شخصیت‌ها در حکایت «بوزینه و لاک‌پشت» نشان می‌دهد که کارکرد تربیتی متن بر چند محور استوار است: ایجاد الگو و ضدالگو، تقویت تصمیم‌گیری اخلاقی، تبیین رابطه حکمت و اخلاق اجتماعی، نمایش پیامدهای اخلاقی و اجتماعی، توسعه مهارت‌های شناختی و عاطفی، و ارتقای حس عدالت و مسئولیت‌پذیری. این ویژگی‌ها، حکایت را به نمونه‌ای ممتاز از ادبیات تعلیمی چندلایه، عمیق و راهگشا

بدل می‌کند که نه تنها برای کودکان، بلکه برای همه کسانی که به اخلاق اجتماعی و حکمت عملی علاقه‌مندند، آموزنده و کاربردی است.

### جدول ۳: تحلیل تقابلی شخصیت‌ها و کارکرد تربیتی آنها

شخصیت	ویژگی‌های اخلاقی	ویژگی‌های حکمی و اجتماعی	پیام تربیتی
بوزینه	وفادار، مهربان، صبور	تدبیر، دوراندیش، شناخت موقعیت	الگوی تصمیم‌گیری خردمندانه و اخلاق اجتماعی
لاک‌پشت	طمع، فریب‌پذیر، کوتاه‌اندیش	ناتوان در تحلیل پیامدها	ضدالگو؛ هشدار نسبت به اخلاق آسیب‌پذیر

جدول سوم بر تقابل شخصیت‌ها و نقش تربیتی آنها تمرکز دارد و بوزینه و لاک‌پشت را از نظر ویژگی‌های اخلاقی و حکمی تحلیل می‌کند. بوزینه با وفاداری، صبر و تدبیر، الگوی اخلاقی و حکمت عملی است که مخاطب می‌تواند آن را الگو قرار دهد. در مقابل، لاک‌پشت با کوتاه‌اندیشی، طمع و ضعف در تحلیل پیامدها، ضدالگو است و هشدارهایی تربیتی به همراه دارد. این جدول به خواننده کمک می‌کند تا تأثیر رفتار شخصیت‌ها بر آموزش اخلاقی و اجتماعی و پیامدهای عملی آنها را مشاهده کند و نشان می‌دهد که ادبیات تمثیلی چگونه می‌تواند فرآیند یادگیری اخلاقی و حکمت عملی را تقویت کند.

### نتیجه‌گیری

بررسی حکایت «بوزینه و لاک‌پشت» در کلیله و دمنه نشان داد که این اثر نه صرفاً داستانی سرگرم‌کننده، بلکه متن آموزشی - اخلاقی و فلسفی چندلایه است که به‌طور عمیق رابطه حکمت و اخلاق اجتماعی را بازنمایی می‌کند. تحلیل ساختار تمثیلی، شخصیت‌ها، پیام‌ها و کارکردهای آموزشی حکایت، تصویر روشن و منظمی از چگونگی انتقال آموزه‌های اخلاقی و تربیتی در قالب ادبیات تعلیمی ارائه داد. حکایت با استفاده از حیوانات به‌عنوان نمادهای انسانی، مفاهیم پیچیده اخلاقی، اجتماعی و روانشناختی را در بستری قابل فهم و ملموس به مخاطب عرضه می‌کند. این شیوه، قدرت اثرگذاری و ماندگاری پیام را افزایش می‌دهد و امکان درک لایه‌های مختلف حکمت و تجربه عملی اخلاقی را فراهم می‌سازد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تحلیل، پیوند متقابل حکمت عملی و اخلاق اجتماعی بود. حکایت نشان می‌دهد که اخلاق بدون حکمت و توان تشخیص موقعیت آسیب‌پذیر است و حکمت بدون اخلاق ممکن است خطرناک یا بی‌ثمر باشد. بوزینه با رفتار خردمندانه، وفاداری و تدبیر، نمونه‌ای از تلفیق موفق این دو عنصر ارائه می‌دهد و لاک‌پشت با طمع و فریب، نمونه شکست اخلاق بدون حکمت است. این تقابل و نتیجه‌گیری اخلاقی، به مخاطب می‌آموزد که زندگی اجتماعی انسانی نیازمند توازن میان صداقت، وفاداری، دوراندیشی و توانایی تصمیم‌گیری عقلانی است. به بیان دیگر، پیام اثر تنها محدود به توصیه‌های اخلاقی نیست، بلکه در قالب تجربه عملی و پیامدهای واقعی رفتارها، یادگیری عمیق و کاربردی را ممکن می‌سازد.

علاوه بر این، حکایت به وضوح اهمیت شناخت محیط و تعامل اجتماعی و تحلیل انگیزه‌ها و پیامدهای رفتارها را نشان می‌دهد. مخاطب با مشاهده رفتار بوزینه و لاک‌پشت و پیامدهای آن، درمی‌یابد که روابط انسانی پیچیده و تحت تأثیر عوامل متعدد است: دوستی و اعتماد، طمع و وسوسه، فشارهای اجتماعی و خانوادگی، و ضرورت تصمیم‌گیری صحیح و خردمندانه. این ویژگی حکایت، آن را به متنی تربیتی و آموزشی تبدیل می‌کند که توانایی پرورش تفکر اخلاقی، تصمیم‌گیری مسئولانه، و تحلیل موقعیت‌های اجتماعی را در مخاطب تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، حکایت همزمان با سرگرمی، ذهن و وجدان مخاطب را فعال می‌کند و او را به تأمل، ارزیابی و در آخر اصلاح رفتار دعوت می‌نماید. از منظر تربیتی، الگو و ضدالگو بودن شخصیت‌ها، یکی دیگر از ویژگی‌های مهم حکایت است. بوزینه الگویی

از خرد، تدبیر، و اخلاق مسئولانه است و لاک‌پشت ضدالگو و نمونه‌ای از رفتارهای آسیب‌زا در روابط انسانی. این شیوه، آموزش را از حالت دستوری و تئوریک خارج می‌کند و به تجربه و مشاهده پیامدها پیوند می‌دهد؛ فرآیندی که اثر یادگیری را پایدار و واقعی می‌سازد. همچنین، پیامدهای اخلاقی و اجتماعی هر انتخاب، مخاطب را به درک مسئولیت فردی و اجتماعی و به تامل در نتایج اعمال خود سوق می‌دهد، امری که در آموزه‌های اخلاقی و تربیتی کلاسیک و مدرن اهمیت فراوان دارد.

بنابراین، تحلیل حکایت «بوزینه و لاک‌پشت» نشان می‌دهد که کلیله و دمنه با ساختار تمثیلی، شخصیت‌های تقابلی، و پیام‌های چندلایه اخلاقی و اجتماعی، نمونه‌ای برجسته از ادبیات تعلیمی و حکمت‌آمیز است. این اثر نه تنها در انتقال آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی موفق است، بلکه ظرفیت تربیت عقلانی، اخلاقی و اجتماعی مخاطب را نیز دارد و اصولی همچون وفاداری، خردورزی، دوراندیشی، و تصمیم‌گیری مسئولانه را به روشنی تبیین می‌کند. پیام کلی حکایت این است که برای زندگی اخلاقی و موفق در جامعه، باید حکمت و اخلاق را توأمان به کار گرفت؛ هم نیک‌خواه بود، هم دوراندیش، هم وفادار بود و هم خردمند، تا بتوان در پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی، سلامت، عزت و عدالت را پاس داشت. بنابراین، حکایت بوزینه و لاک‌پشت نمونه‌ای است که نشان می‌دهد ادبیات تمثیلی، با بهره‌گیری از داستان، شخصیت و پیام‌های چندلایه، می‌تواند معلمی عملی و اخلاقی باشد و آموزه‌های فلسفی و اجتماعی را در قالبی جذاب، ماندگار و قابل درک به مخاطب منتقل کند. مطالعه چنین آثاری، نه تنها فهم عمیق‌تری از ادب کلاسیک فارسی فراهم می‌آورد، بلکه مسیر مناسبی برای آموزش اخلاق اجتماعی و حکمت عملی در شرایط پیچیده و واقعی زندگی انسان‌ها ارائه می‌دهد.

## منابع

- امامی سعید، صحرایی قاسم. (۱۴۰۱). بررسی رابطه‌ی طبقه اجتماعی با اخلاق زنان در حکایات کلیله و دمنه و مرزبان نامه.
- امیری یاسی کند، وحید، دهقان، فرضی. (۱۴۰۰). نمودهای کسب حکمت و دانش در کلیله و دمنه مصور تیموری با تأکید بر سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته. مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۷۳-۵۵.
- امینی، نجفی بهزادی. (۱۴۰۴). تحلیل داستان‌های بازنویسی‌شده‌ی کلیله و دمنه براساس ابعاد روایت‌مندی نیکولایووا. مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، ۱۶(۱)، ۱-۱۸.
- آهی، محمد، مهربانی ممدوح. (۱۳۹۴). عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در کلیله و دمنه. متن پژوهی ادبی، ۱۸(۶۱)، ۶۳-۸۲.
- بیات، حسینی، عبدالله، ابویسانی، پیرانی شال. (۱۴۰۴). ارزیابی ترجمه کلیله و دمنه بر اساس نظریه اسکوپوس (مطالعه موردی: ترجمه مرعشی پور). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۵(۳۲)، ۶۹-۹۶.
- بیات، حسینی، عبدالله، ابویسانی، پیرانی شال. (۱۴۰۴). ارزیابی ترجمه کلیله و دمنه بر اساس نظریه اسکوپوس (مطالعه موردی: ترجمه مرعشی پور). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۵(۳۲)، ۶۹-۹۶.
- تاج بخش، محمدی، فائقه. (۱۳۹۳). منابع و سرچشمه‌های احادیث کلیله و دمنه بهرام شاهی. تاریخ ادبیات، ۷(۱).
- حسینی سروری، نجمه، طالبیان، یحیی. (۱۳۹۲). آفرینش طنز و مطایبه در کلیله و دمنه. کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، ۲۷(۱۴)، ۱۶۷-۲۰۰.
- زاهدی، چنور، یعقوبی جنبه سرایی، پارسا. (۱۴۰۱). منطق تعامل در روایت‌های سیاسی-اخلاقی کلاسیک فارسی: آداب معاشرت و فاصله‌گزینی. پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، ۱۱(۳)، ۲۵-۴۶.
- سعیدی، سهراب، رستمی ابو سعیدی، براتی، روستا، امید. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه ابزار جنگ در کلیله و دمنه و مقامات حمیدی. مجله مطالعات ایرانی، ۲۱(۴۲)، ۲۷۹-۳۱۶.
- سلمان، مجلی زاده، امین. (۱۳۹۵). کتابشناسی کلیله و دمنه در زبان فارسی. آینه پژوهش، ۲۷(۱۵۷)، ۱۰۹-۱۲۰.

- صدیقی. (۱۴۰۱). بوطیقای کلیله و دمنه تحلیل سازوکارهای حاکم بر مقدمه ها و متن کلیله و دمنه. نقد و نظریه ادبی، ۶(۲)، ۲۱۵-۲۳۸.
- عسکری الموتی، بابائی، آرزو. (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی سیر تحول متن و نقاشی های داستان مرغابی ها و لاک پشت در کلیله و دمنه، تحفه الاحرار و انوار سهیلی. هنر و تمدن شرق.
- کامرانی لیلا، عادل زاده پروانه، پاشایی فخری کامران. (۱۴۰۱). واکاوی فرآیند هویت و توسعه در تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه.
- مرضیه رشیدی، سعیده نیازی، مسعود سپه وندی. (۱۴۰۴). بررسی ابعاد تعلیم و تربیت در قابوسنامه و کلیله و دمنه بر اساس نظریه آمایه ثرندایک. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۱-۱۳.
- موسوی، دکترسیدفرج الله. (۱۳۹۱). جایگاه تاریخی کلیله و دمنه در فرهنگ و تمدن شرقی. مسکویه، ۲۳(۷)، ۱۱۹-۱۳۴.
- ناشودی، شیوا، ضیاءخدادادبان، دکترمحبوبه، عباسی، دکترفرزاد. (۱۴۰۳). آموزه های اخلاقی تبیین شده برای کودکان در باب «بازجست کار دمنه» از کلیله و دمنه؛ بر اساس مولفه های تفکر فلسفی. اخلاق در علوم و فناوری، ۷۶(۲۰)، ۹-۱۵.
- نجفی حاجیور، مهران، نجفی بهزادی. (۱۴۰۲). بررسی ساختار و تحلیل محتوای کتاب درسی کلیله و دمنه، شرح حسین حداد. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۱۱۰(۲۲)، ۲۳۳-۲۵۱.